



## تبیین اصول ماندگار زیبایی‌شناسی در سکونتگاه‌های شهری نمونه مطالعاتی: مسکن مهر شهرک پردیسان قم

آمنه بختیار نصرآبادی<sup>۱</sup>، شیرین اسلامی<sup>۲</sup>

کد مقاله: ۲۵۹۱۹

### چکیده

محیط مسکونی حاصل برآیندهای تأثیرگذاری نظیر عوامل زیست محیطی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، ادراکی، کالبدی و فضایی است که برهم کنش آنها، رضایت انسان از مقوله مسکن و تجربه زیسته را در پی دارد. مفهومی که امروزه در بین عوامل مذکور نادیده گرفته شده است، بکارگیری هنر "زیبایی‌شناختی" در موقعیت‌های مسکونی است. غفلت از پرداخت به این مهم در کنار عدم توجه به عوامل دیگر، می‌تواند رضایتمندی و حس تعلق ساکنان در تدوam سکونت را کاهش دهد. هدف مقاله‌ی حاضر تبیین اصول ماندگار زیبایی‌شناختی کالبدی در طراحی سکونتگاه‌ها می‌باشد؛ به منظور نیل به این هدف، روش تحقیق توصیفی-تحلیلی به کار گرفته شده است که پس از مروری بر ادبیات پژوهش، کند و کاوی درباره چپستی مفهوم زیبایی در سه دوره مختلف زمانی صورت پذیرفته و عمده اصول مشترک مانند تناسب، توازن، وحدت، هندسه، ترکیب، مقیاس انسانی و تنوع در تطبیق با سه دوره زمانی معماری و شهرسازی ایران؛ مکتب سنت، مکتب اصفهان و مکتب تهران به شیوه تحلیلی مورد بررسی قرار گرفته است. در ادامه، اصول تبیینی مستخرج در مسکن مهر پردیسان شهر قم به عنوان نمونه مطالعاتی، مورد ارزیابی قرار گرفته است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که بسیاری از اصول زیبایی‌شناختی در مجموعه‌های مذکور نادیده گرفته شده و در جهت کیفیت‌افزایی سکونتگاه‌های شهری، لازم است اصول پیشگفته به منظور افزایش غنای محیط مسکونی به کار گرفته شود.

واژگان کلیدی: زیبایی‌شناختی، اصول ماندگار زیبایی‌شناختی، نظریات زیبایی‌شناختی، مسکن مهر.

۱- دکتری شهرسازی دانشگاه تربیت مدرس [com.bakhtiar@gmail.amene](mailto:com.bakhtiar@gmail.amene)

۲- کارشناس ارشد طراحی شهری دانشگاه هنر اصفهان

مسکن شهری بخشی از زندگی است که تابع مؤلفه‌های بسیار مهم در مناسبات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و کالبدی- فضایی جامعه است. دولت‌ها به منظور تأمین این نیاز مهم، آن را در رأس برنامه‌های خود قرار می‌دهند. در کشور ما تأمین مسکن برای گروه‌های کم‌درآمد یکی از اولین برنامه‌های عمرانی بود که از سال ۱۳۲۷ آغاز گردید و طی شش دهه گذشته در طرح‌های عمرانی، توسعه تأمین مسکن، یک سیاست محوری مهم به شمار می‌رفته‌است. بعد از انقلاب اسلامی با غلبه فضای سیاسی و اجتماعی محرومیت‌زدایی و تأمین نیازهای اساسی گروه‌های کم‌درآمد جامعه، سیاست تأمین مسکن برای گروه‌های آسیب‌پذیر شهری، ابعاد نوینی یافت که می‌توان از نهاد "مسکن مهر" با مشارکت دولت نام برد که به عنوان یک مسکن اجتماعی شناخته می‌شود. در نقد سیاست این نهاد به خصوص از بعد فضایی-کالبدی و چشم‌پوشی از اصول مطرح در بعد زیبایی‌شناسی، مباحث جدی مطرح شده‌است؛ متأسفانه، گاهی به بهانه کمبود بودجه و با هدف تقلیل هزینه‌ها، بسیاری از اهداف کیفی سکونتگاه‌های مذکور، قربانی اهداف کمی گردیده‌است و در عمل به نیازهای اساسی افراد در ساخت و سازها؛ از جمله بعد زیبایی‌شناسی توجه جدی نگردیده‌است که ادامه روند مذکور می‌تواند سلامت ذهنی و روانی ساکنان را تحت الشعاع قرار دهد.

نیاز به زیبایی و رضای این حس، یکی از اساسی‌ترین نیازهای بشری و از مباحث مهم در روانشناسی مسکن است. انسان از زمانی که به معماری مبادرت ورزیده، به نیازهای روحی، باطنی و حس زیبایی‌شناسی توجه داشته‌است؛ نخستین نمونه‌های سکونتی، برقراری چنین نسبتی را نشان می‌دهد که بشر از اولین روزهای خلقت، برای زیباسازی محیط زندگی‌اش در تلاش بوده و نیاز به زیبایی به عنوان جزئی از فرهنگ مشخص و قطعی انسانی را اثبات می‌کند. به زعم مازلو<sup>۱</sup> زیبایی‌شناسی و درک آن به عنوان یکی از مسائل مهم خودشکوفایی انسان است؛ اساس نظریه مازلو در مورد چگونگی پاسخگویی به نیازهای فردی مختلف در زمینه زندگی بود و باور داشت که یک الگوی کلی تشخیص نیاز و رضایت وجود دارد که انسان در طول حیات آن را دنبال می‌کند (Gawel: 1997). در واقع، مازلو سلسله‌مراتبی از نیازها را از قوی‌ترین تا ضعیف‌ترین پیشنهاد کرد که نیازهای خودشکوفایی، معرفتی و زیباشناختی در بالاترین مرتبه ارزش قرار می‌گیرند (پاکزاد و بزرگ، ۱۳۹۱: ۱۷). در طول تاریخ، مباحث زیبایی‌شناسی با تعاریف افلاطون<sup>۲</sup> (۴۰۰ ق.م) آغاز شد و در ادامه‌ی آن در جریان هندسه فیثاغورثی<sup>۳</sup> (۵۰۰ ق.م)، زیبایی به عنوان شاخه مستقلی از فلسفه درآمد و در سیر تاریخ پس از افت و خیزها سرانجام در قرن هجدهم توسط بومگارتن<sup>۴</sup> توسعه یافت. پس از بومگارتن (۱۷۵۳)، از شاخص‌ترین افرادی که بر بعد زیبایی نظر جدی داشتند می‌توان به برک<sup>۵</sup> (۱۷۵۷)، شافتسبری<sup>۶</sup> (۱۷۱۴)، هاجسون<sup>۷</sup> (۱۷۵۳)، هیوم<sup>۸</sup> (۱۷۴۰-۱۷۳۸)، کانت<sup>۹</sup> (۱۷۹۰)، هگل<sup>۱۰</sup> (۱۸۳۳)، شوپنهاور<sup>۱۱</sup> (۱۸۱۹ و ۱۸۴۷)، فخنر<sup>۱۲</sup> (۱۸۳۰)، سانتایانا<sup>۱۳</sup> (۱۸۹۶)، لالاند<sup>۱۴</sup> (۱۹۲۶)، الکساندر<sup>۱۵</sup> (۱۹۳۳)، دوی<sup>۱۶</sup> (۱۹۳۴)، ارنه‌ایم<sup>۱۷</sup> (۱۹۷۷، ۱۹۶۵، ۱۹۴۹)، دریدا<sup>۱۸</sup> (۱۹۸۷)، کپلان<sup>۱۹</sup> (۱۹۹۱) و غیره<sup>۲۰</sup>، آدورنو<sup>۲۰</sup> (۱۹۷۰)، هایدگر<sup>۲۱</sup> (۱۹۷۹) و غیره اشاره کرد. افراد دیگری نیز مانند گروتز<sup>۲۲</sup> (۱۹۸۷)، نسر<sup>۲۳</sup> (۱۹۸۸)، مارکوزه<sup>۲۴</sup> (۱۹۷۷)،

- 1- Maslow
- 2- Plato
- 3- Pythagoras
- 4- Baumgarten
- 5- Burke
- 6- Shaftsbury
- 7- Hutcheson
- 8- Hume
- 9- Kant
- 11- Hegel
- 11- Schopenhauer
- 12- Fechner
- 13- Santayana
- 14- Lalande
- 15- Alexander Mudd
- 16- Dewey
- 17- Arnheim
- 18- Derrida
- 19- Kaplan
- 20- Adorno
- 21- Heidegger
- 22- Grutter
- 23- Nasar
- 24- Marcuse

نیوتون<sup>۱</sup> (۱۸۹۳)، بیرکھوف<sup>۲</sup> (۱۹۳۳)، اکو<sup>۳</sup> (۲۰۰۴)، کالن<sup>۴</sup> (۱۹۶۲)، بل<sup>۵</sup> (۲۰۰۵) و غیره نیز سهم مهمی در توسعه این رشته داشته‌اند. در ابتدای قرن بیستم میلادی، مقوله زیبایی با افول اندکی مواجه شد و دوباره در دهه آخر قرن بیستم، توجه به موضوع زیبایی جهش گرفت. قابل ذکر است در فلسفه اسلامی، شاخه مستقلی به عنوان زیبایی‌شناسی مطرح نبوده و فلاسفه اسلامی به مباحث زیبایی‌شناسی به طور پراکنده در بحث ارزش شفاهی اشاره کرده‌اند. شاید بتوان ادعا کرد که صدرالمتألهین (۹۷۹-۱۰۵۰ ق) بیشتر از دیگر فلاسفه اسلامی به زیبایی‌شناسی پرداخته‌است؛ البته در آثار ابن‌هیثم، ابن‌سینا، فارابی و سهروردی نیز نظریات مهمی در باب زیبایی آمده و در دوره معاصر کسانی؛ نظیر نصر (۱۳۸۰ و غیره)، مطهری (۱۳۸۴)، جعفری (۱۳۷۵ و ۱۳۷۴)، احمدی (۱۳۷۴)، نقی‌زاده (۱۳۸۶) و ۱۳۹۳)، بولخاری (۱۳۸۷، ۱۳۸۸ و غیره) و نقره‌کار (۱۳۸۷ و غیره) به این موضوع پرداخته‌اند.

در حال حاضر مطالعات روانشناسی نشان می‌دهد که توجه به مقوله زیبایی شهری در جهت پاسخگویی به نیازهای روحی و روانی شهروندان امری ضروری است و در کنار مسائل کارکردی و اجتماعی مجموعه‌های مسکونی، نادیده گرفتن اصول زیبایی‌شناختی مشکلاتی را اضافه بر مسائل رفاهی به ساکنان تحمیل می‌کند؛ مواردی از قبیل یکنواختی در فرم و نما، نبود یکپارچگی و هماهنگی در سیمای جداره‌ها، عدم توجه به جزئیات نماها، عدم تعادل توده و فضا، نبود تنوع، عدم وحدت و انسجام در کلیت مجموعه‌ها، نبود نقاط عطف و تأکید در جداره‌ها، عدم استفاده از مصالح مرغوب و غیره؛ مصداق‌های بی‌توجهی به مبحث زیبایی‌شناختی است. با توجه به ضرورت تبیین شده و مسئله موجود، هدف تحقیق حاضر تحلیل و استنباط مقوله پایدار زیبایی‌شناختی و بررسی کاربرد آن در کالبد سکونتگاه‌های شهری در نمونه شهرک پردیسان قم به عنوان نمونه مورد مطالعه می‌باشد. به این منظور پس از مروری بر پیشینه تحقیق، مفاهیم زیبایی‌شناسی در سه دوره مختلف زمانی مورد بحث قرار گرفت و پس از استخراج اصول مشترک زیبایی‌شناسی، ابتدا این مفاهیم در تطبیق با سه دوره زمانی معماری و شهرسازی ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد و در نهایت، اصول تبیینی مستخرج در مسکن مهر پردیسان شهر قم به عنوان نمونه مطالعاتی، مورد ارزیابی قرار گرفته و یافته‌های تحقیق به دست داده شده‌است. نگارندگان در ادامه با طرح پیشنهاداتی در صدد بهبود وضعیت این مجموعه‌های مسکونی هستند تا در عمل بتوان نیازهای زیبایی‌شناسی ساکنان را تا حدی ارضا کرد، تعلقات ذهنی و ادراکی ساکنان را ارتقا بخشید و از بروز مهاجرت از این مجموعه‌ها جلوگیری به عمل آورد.

## ۲- روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع تحقیقات کاربردی است که از طریق پارادایم تحقیق کیفی و با روش تحقیق توصیفی-تحلیلی صورت پذیرفته‌است. گردآوری اطلاعات در پژوهش حاضر از طریق مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای انجام گردیده‌است که ابتدا به بررسی متون و دیدگاه‌های اندیشمندان پرداخته، اصول و ارزش‌های مقوله پایدار زیبایی‌شناختی را تحلیل و استنباط کرده و در گام بعدی، عمده اشتراکات اصول زیبایی‌شناختی را در کالبد سکونتگاه‌های شهری مورد ارزیابی قرار داده‌است. نمونه مورد مطالعه در این تحقیق، مسکن مهر کوی بهشت، مهر آرین و خاتم الانبیا در شهرک پردیسان شهر قم است.

## ۳- پیشینه بحث

واژه زیبایی‌شناسی آن گونه که در زبان فارسی متداول است، معادل واژه Aesthetics به کار رفته که از نظام فلسفی خاصی سخن می‌گوید که به معنای کاوش در معنای جمال، شناخت زیر و بم‌های این پدیده است (مارکوزه، ۱۳۶۸، ۹). ریشه لغت زیبایی‌شناسی از واژه یونانی کلاسیک *atshanesthai*، به "معنای فهمیدن" و *aistheta*، به معنای "موضوعات درک شده توسط چشم" مشتق شده‌است که نشانه فهم بصری یا زیبایی است. این واژه در مهم‌ترین وجه خود، ارتباط ما با محیط اطرافمان را توصیف می‌کند (Bell, 2005: 3). از بیان معنایی این واژه که بگذریم در دنیای امروز، موانع دشواری در بیان زیبایی وجود دارد؛ بطوری که زیبایی به عنوان یک مفهوم خاص در جهان زیسته فرد شناخته می‌شود که انتظارات کاملاً ذهنی در ذهن به عنوان یک تابع ایجاد می‌کند که دارای جنبه‌های روانشناختی است (Danaci, 2012: 878-879). به طور عملیاتی مفهوم زیبایی‌شناسی از دو جنبه عین و ذهن قابل بررسی است که بررسی آن در فرهنگ شهری نیز از این قاعده مستثنی نیست چرا که از یک طرف کالبد شهر مطرح است که به عینیت بر می‌گردد و از طرف دیگر ذهنیت شهروندان که باید درکی زیباشناسانه از فضا داشته باشند (کریمی مشاور، ۱۳۹۲: ۷۱)؛ بنابراین موضوع علم زیبایی‌شناسی در طراحی فضا، تشخیص و درک عواملی است که در ادراک یک شیء یا یک فرآیند تجربی زیبا یا حداقل احساس خوشایندی، نقش دارند که می‌تواند درک توانایی انسان برای ابداع جلوه‌هایی که از نظر زیبایی‌شناسی، خوشایند هستند بالا ببرد. در این نگاه برای مطالعه زیبایی‌شناسی دو رویکرد کلی وجود دارد؛ موضوع رویکرد اول، مطالعه فرآیندهای ادراک،

- 1 - Newton
- 2 - Birkhoff
- 3 - Eco
- 4 - Cullen
- 5 - Bell

شناخت و شکل‌گیری نگرش و موضوع رویکرد دوم، مطالعه هندسه زیبایی‌شناسی و فرآیندهای مربوط به خلاقیت است. رویکرد اول بستگی به شخصیت و ویژگی روان‌شناختی دارد و رویکرد دوم متافیزیکی و روانکاوانه است. رویکرد اول در حوزه نظریه‌های اثباتی و رویکرد دوم در محدوده نظریه‌های هنجاری و ارزشی طراحان و هنرمندان است (لنگ، ۱۳۹۲: ۲۰۷).

محققان با توجه به اینکه فهم، امری تاریخی است (گادامر)؛ جهت تحلیل متافیزیکی متون زیبایی‌شناسی به سه دوره تاریخی اشاره می‌نمایند که چکیده آن در جدول شماره ۱ آمده است. با توجه به جدول مذکور و نتایج مستخرج از آن، می‌توان نتیجه گرفت که تجربه زیسته از زیبایی، بستگی به فضاهای زندگی تاریخی و فرهنگی افرادی دارد که در یک فرهنگ طولانی، تجربه گسیخته‌اند و تحت تأثیر اندیشه‌های مختلف قرار گرفته‌اند.

جدول ۱- مقایسه تطبیقی مفاهیم زیبایی در منظر اندیشمندان غرب و شرق در ادوار گوناگون

دوره	اندیشمند	تعریف زیبایی	تحلیل دوره
دوران سنت (غرب)	هومر <sup>۱</sup>	شگفتی در باب تقلید (بیردزلی و هاسپرس، ۱۳۸۷: ۱۷).	زیبایی در این دوره را می‌توان در قالب هماهنگی، تناسب، نظم، ریاضی و رابطه بین اجزا دانست؛ در واقع چیزی زیباست که متناسب باشد و تناسب در اعداد نهفته است.
	افلاطون	نظم، اندازه، تقارن، هماهنگی و هارمونی (ووادیسوف، ۱۳۹۰: ۴۵).	
	ارسطو <sup>۲</sup>	زیبایی با سه شرط است: کلیت، احتمال، انسجام (بولخاری، ۱۳۸۷: ۷۴).	
	فلوطين <sup>۳</sup>	مترادف با افلاطون، زیبایی لذت است (بیردزلی و هاسپرس، ۱۳۸۷: ۱۷) که در نهایت کشش به سوی روح است (بولخاری، ۱۳۸۷: ۷۴).	
	فیثاغورث	زیبایی بر پایه نظم و ریاضی است (امبرتو، ۱۳۹۰: ۳۵).	
	جریان فیثاغورثی	زیبایی صفتی است که از رابطه میان اجزا حاصل می‌شود (لیزروف و همکاران، ۱۳۵۲: ۹).	
	آگوستین <sup>۴</sup>	وحدت، عدد، تساوی، تناسب و نظم (بیردزلی و هاسپرس، ۱۳۸۷: ۱۷).	
	آکویناس <sup>۵</sup>	زیبایی با سه شرط است: درستی یا کمال، تناسب یا هماهنگی صحیح، درخشندگی یا روشنی (بولخاری، ۱۳۸۷: ۷۴).	
دوران سنت (شرق)	ویتریویوس <sup>۶</sup>	زیبایی را در نمای خوشایند، مطبوع و محاسبه تقارن اجزای آن است (بهزادفر، ایلکا و ایلکا، ۱۳۹۱: ۷۳).	می‌توان گفت زیبایی در این دوره انسان را به دنیای ماورائی هدایت می‌کند، زیبایی صوری به زیبایی معنوی در هم آمیخته است که سیر الی‌الله دارد و انسان را به تکامل معنوی و خالق زیبایی‌ها رهنمون می‌سازد. در مجموع می‌توان گفت در فرهنگ اندیشه بزرگان اسلامی و ایرانی در سنت شرق، "زیبایی" کیفیتی معناگرا دانسته می‌شود که همراه حسن و نیکویی خلقی و ذهنی است.
	فارابی	زیبایی، زینت، بها یا نیکویی این است که وجود برتر و کامل او محقق شود و کمال ثانی تحقق پذیرد (بهرامی، ۱۳۹۴: ۱).	
	ابن سینا	آفاقی بودن و عینی بودن زیبایی از منظر حسن نظم، حسن تألیف، اعتدال (هاشم نژاد و نعمتی، ۱۳۹۰: ۱۴۰).	
	نظامی	محور اساسی زیبایی را در تأثیر شگفت بر مخاطب می‌داند (واردی، ۱۳۸۶: ۱۸).	
	غزالی	زیبایی عینی (ابزکتیو) است. زیبایی هر اثر هنری به روح خالق آن منتسب است (قائم‌فر، ۱۳۹۵).	
	ابن هیثم	ادراک ۲۲ عامل (تقارن، اتصال، وحدت و غیره) است که از عین با مبصرات اشیا به درک معنای ذهنی آنها منجر می‌شود (قائم‌فر، ۱۳۹۵: ۳۹).	
	خواجه نصیرالدین طوسی	زیبایی محاکات است. زیبایی یکی از صفات عینی موجودات است و ذهن انسان به کمک قواعد و اصول معینی آن را درک می‌کند. در واقع هنرمند می‌کوشد تا در اثر هنری خویش به ترسیم و تصویر این واقعیت عینی بپردازد و از واقعیت نسخه‌برداری کند و به نمایش بگذارد (هاشم‌نژاد، ۱۳۹۲: ۳۴).	
	مولوی	وسیله تکامل معنوی است (یوسفیان، ۱۳۷۹: ۱۶۷).	
ابن عربی	ابن عربی عالم وجود را «صنعه‌الله» می‌نامد و بیان می‌دارد که به هر موجود این عالم که نظر کنی، از یک سو حکمت خدا را در آن می‌بینی و از آن سوی دیگر، خلاقیت هنری و اوج آفرینش زیبایی یک صنعتگر هنرمند را (بهزادفر، ایلکا و ایلکا، ۱۳۹۱: ۷۸).		
فیچینو <sup>۷</sup>	کمال بیرونی است؛ بیرونی‌ای که متضاد با درون است و ما آن را خوب می‌نامیم (ووادیسوف، ۱۳۹۱).		

- 1- Homer
- 2- Aristotle
- 3- Plotinus
- 4- Pythagoras
- 5- Augustinus
- 6- Vitruvian
- 7- Ficino

<p>می‌توان شروع دوران مدرن در غرب را با آغاز دوره رنسانس دانست. در این دوره زیبایی بر مبنای ریاضی به اوج دقت خود رسید. از تناسبات مقدس، طلایی و جادویی برای پیاده کردن زیبایی افلاطونی به عنوان بهترین سرمشق استفاده می‌شده است.</p> <p>به تدریج این رویکرد در قرن هجدهم با عقلانیت درهم آمیخت به گونه‌ای جایگزین اصل ذهن با عین شد که با دیدگاه فردگرایی دکارت که مبتنی بر رویکردی عقلی است و سپس با دیدگاه تجربه‌گرایان مانند هیوم که بیشتر مبتنی بر ویژگی ذهنی ادراکات حسی بود ادغام گردید.</p>	<p>زیبایی در همخوانی قانونمند بین اجزاست (گروتز، ۱۳۹۰: ۱۰۰)؛ در واقع تناسب (هماهنگی) اجزای مجموعه است که اگر چیزی به آن اضافه یا کم شود و یا تغییری در آن صورت گیرد، نابود خواهد شد (Isaac, 2008: 3).</p>	آلبرتی <sup>۱</sup>	<p>دوران جدید (غرب)</p>
	<p>سرچشمه زیبایی وجود فرم‌های قشنگی است که در هماهنگی با فرم کلی قرار دارند (گروتز، ۱۳۹۰: ۱۰۰).</p>	پالادیو <sup>۲</sup>	
	<p>آنچه زیباست؛ موزون، متناسب، دلپذیر و خوب است (هاشم‌نژاد، ۱۳۹۲: ۷).</p>	شافتسبری	
	<p>انبساط خاطری که از ادراک یک چیز، فرایند و یا رویداد به انسان دست می‌دهد (پاکزاد، ۱۳۹۱: ۱۰۹).</p>	هگل	
	<p>احساس زیبایی‌شناسی با آگاهی در پیوند است (لیزرورف و همکاران، ۱۳۵۲: ۱۶۷).</p>	داروین <sup>۳</sup>	
	<p>زیبایی‌شناختی دقیقاً بیان حالات روحی است، زیبایی یک امر مطلقاً ذهنی است؛ زیبایی یک شیء نیست بلکه فقط حالتی در درون ما است (بیردزلی و هاسپرس، ۱۳۸۷: ۱۷).</p>	نیچه <sup>۴</sup>	
	<p>جوهر و ذات زیبایی در تجلی و ظهور وحدت در کثرت نهفته است (هاشم‌نژاد، ۱۳۹۲: ۷).</p>	هاچسون	
	<p>زیبا آن است که لذتی بیافریند، رها از بهره و سود، بی‌مفهوم، عام و همگانی که همانند غایت پایانی بی‌هدف باشد (هاشم‌نژاد، ۱۳۹۲: ۷).</p>	کانت	
	<p>از منظر دکارت، سوژه مرجع هستی می‌شود، خود به خود زیبایی هم تابع این امر می‌شود؛ یعنی زیبایی تابع احساس و ادراک انسانی است (ضمیران و پازوکی، ۱۳۸۳: ۱۱۶).</p>	دکارت <sup>۵</sup>	
	<p>زیبایی را توازن بین نظام اجزا و نسبت متقابل آنها بصورت کمی و کیفی معرفی می‌کند (قائم‌فر، ۱۳۹۵: ۴۱).</p>	بومگارتن	
	<p>یک ابژه زمانی در نظر ما زیبا جلوه می‌کند که به واسطه‌ی ماهیت خودش تعیین شده باشد؛ یعنی نشانگر تأثیر آزادی بر حواس یا تأثیر آزادی بر نمود باشد (بیشاپ، ۱۳۸۶: ۲۲۴).</p>	شیلر <sup>۶</sup>	
	<p>زیبایی محصول کردار ریاضی طبیعت است که به نوبه خود محصول خاصیت وجودی هر موجود است (ایزدی واکرمی، ۱۳۹۶: ۷۰).</p>	نیوتون	
	<p>به طور ماتقدم نمی‌توان تعریف مادی برای زیبایی تعیین کرد (ایزدی واکرمی، ۱۳۹۶: ۷۰).</p>	لاند	
	<p>ما چیزی را زیبا می‌دانیم که متناسب با ارزش‌های ذهنی‌مان باشد و ما را خوشحال یا شادمان کند (بندرآباد و شاهچراغی، ۱۳۹۴: ۲۴۴).</p>	راسکین <sup>۷</sup>	
<p>زیبایی کیفیتی در خود اشیا نیست بلکه فقط احساسی است در ذهن کسی که بدان می‌اندیشد (گات و آیور لویس، ۱۳۸۴: ۳۵).</p>	لاکی <sup>۸</sup>		
<p>لذت زیبایی‌شناسی ناشی از مداخله توأم احساس و تعقل است (گات و آیور لویس، ۱۳۸۴: ۳۵)؛ زیبایی کیفیتی در خود اشیا نیست بلکه صرفاً در ذهنی وجود دارد که در مورد عیان تأمل می‌کند و به همین دلیل هر ذهنی، زیبایی متفاوتی را درک می‌کند (پهلوی فوسخودی، ۱۳۸۸: ۱۵۸).</p>	هیوم		
<p>مطابق بینش روحانی جهان، زیبایی همان شفافیت پوشش‌های وجودی و مادی آن چیز است (ناظر و همکاران، ۱۳۹۴).</p>	بورکهارت <sup>۹</sup>		
<p>امتزاج زیبایی عینی و ذهنی در پی رسیدن به کمال انسانی.</p>	<p>اعتدال، تناسب، تقارن و خوشایندی، شمائل لطیف، تناسب و ترکیب نیک (هاشم‌نژاد و نعمتی، ۱۳۹۰: ۱۴۰).</p>	صدرالمثاله	<p>دوران جدید (شرق)</p>
	<p>عشق منشأ زیبایی است (هاشم‌نژاد، ۱۳۹۲: ۱۳۴).</p>	ین	
	<p>زیبایی را ارزشی می‌داند که نمی‌توان از آن بی‌نیاز شد، حضور آن در زندگی ضروری است اما نمی‌توان آن را از ارزش‌هایی چون خیر و حق سلب کرد و در واقع زیبایی پس از آنها می‌آید (مطهری، ۱۳۸۴: ۷).</p>	سهروردی	
		نجیب الکیلانی	

1- Alberti

2 - Palladio

3- Darwin

4- Nietzsche

5- Descartes

6- Schiller

7- Ruskin

8- Locke

9- Burckhardt

	از فیلسوفان مطرح این دوره می‌توان به شیخ بهایی، میرفندرسکی و میرداماد نیز اشاره کرد ولی نگارندگان به مباحث مرتبط با مقوله زیبایی‌شناختی از منظر آنها برخورد نداشته‌اند.	
می‌توان به طور کلی گفت: زیبایی در این دوره بر مفهوم لذت و حظ بصری استوار است که از همان مفاهیم پیشین نظیر هماهنگی، وحدت و تناسب سرچشمه می‌گیرد، به عبارتی آنچه باعث خوشنودی و خوشی در انسان شود اما رفته‌رفته زیبایی با مفهوم بحران هویت مواجه شده‌است؛ به این صورت که زیبایی دچار نسبیّت و شکاکیت گردیده‌است و نمی‌توان معیارهای ثابتی را برای آن در نظر گرفت.	بولزانو <sup>۱</sup> چیزی زیباست که باعث حظ بصری شود (گروتو، ۱۳۹۰: ۱۰۱).	دوران معاصر (غرب)
	لوکوربوزیه <sup>۲</sup> زیبایی مهندسی و زیبایی ماشین است (بندرآباد و شاهچراغی، ۱۳۹۴: ۲۵۴).	
	رایت <sup>۳</sup> زیبایی تظاهر تناسبی است اصولی به صورت خط، فرم، رنگ (گروتو، ۱۳۹۰: ۱۰۱).	
	واگنر <sup>۴</sup> چیز غیر عملی زیباست (بندرآباد و شاهچراغی، ۱۳۹۴: ۲۵۴).	
	لوس <sup>۵</sup> زیبایی در فرم است و از تزئینات مبراست (گروتو، ۱۳۹۰: ۱۰۲).	
	وتوری <sup>۶</sup> تنوع زیباست (بندرآباد و شاهچراغی، ۱۳۹۴: ۲۵۴).	
	کوزین <sup>۷</sup> زیبایی نتیجه دو صفت متضاد وحدت و تنوع است (گروتو، ۱۳۹۰: ۱۱۸).	
	کوان <sup>۸</sup> مربوط به ادراک حسی در تأثیرات ظاهر بصری و حس زیبایی است (Cowan, 1394: 5).	
	کاتبرت <sup>۹</sup> ترکیبی از کیفیاتی نظیر شکل، رنگ یا فرم که موجب خشنودی حواشی زیبایی-شناسانه، به خصوص بینایی می‌شود (پاکزاد و ساکی، ۱۳۹۳: ۷).	
	رید <sup>۱۰</sup> وحدت روابط صوری در مدرکات حسی ما (خرقانی، ۱۳۸۷: ۱۳).	
	گاستالا <sup>۱۱</sup> یک هماهنگی و هارمونی است که لذات ما را در یک خط سیر معین متشکل می‌کند و سبب اندیشه زیبایی می‌گردد (خرقانی، ۱۳۸۷: ۱۳).	
	شوان <sup>۱۲</sup> زیبایی چون شکوه حقیقت از سویی دارای مبانی متافیزیکی است (چون از حقیقت جدا نیست) و از سوی دیگر واقعیتی ایژکتیو است (چون شکوه حقیقت است) (تیموری، ۱۳۸۴: ۴۳).	
	دیویی تجربه‌ای کامل، عالی، پربار، همراه با شور و حرارت در برابر نیازها و اهداف اساسی در سراسر زندگی است (انصاری و همکاران، ۱۳۹۳: ۵۳).	
اکو زیبا چیزی است که از آن خوشمان می‌آید و با خوبی است (امبرتو، ۱۳۹۰: ۱۳).		
ویتیک <sup>۱۳</sup> زیبایی، کیفیت یک پدیده عینی و مستقل از ادراک کننده آن نیست بلکه ارزشی است که از سوی فرد به یک وجود عینی افزوده می‌شود (ویتیک، ۱۳۸۶: ۲۸).		
می‌توان مفهوم زیبایی را در این دوره این گونه تعریف کرد: زیبایی در ساحت صورت و معنا نهفته‌است. بر برتری زیبایی‌های باطنی و روحانی بر زیبایی ظاهری و جسمانی تأکید دارد. در مجموع در فرهنگ اندیشه بزرگان معاصر، زیبایی به مفهوم کلی، کیفیتی معنوی و روحی است و سیر الی‌الله دارد که در کمال انسانی نهفته است.	علامه طباطبایی حقیقت حسن و زیبایی آن است که اجزای یک چیز نسبت به هم سازگار باشد و نیز مجموعه این اجزا با هدف و غرضی که خارج از حدود آنهاست، همساز باشد (خرقانی، ۱۳۹۰: ۶۳).	دوران معاصر (شرق)
	علامه جعفری هر مجموعه‌ای نگارین که مرکب باشد از اجزایی متنوع که هر یک از آن اجزاء، کمال وجودی خود را بدون تراحم با اجزای دیگر نمودار بسازد، زیباست (جعفری، ۱۳۹۲: ۱۷۴).	
	استاد مطهری با آنکه جمال‌های حسی ناشی از تناسب است؛ یعنی تناسب یک عامل اساسی در پیدایش زیبایی حسی است، تناسب در امور معنوی روحی هم عامل جمال روحی است (مختاریان، ۱۳۸۸: ۴۴).	
	نصر زیبایی امر قدسی و معرفت قدسی جدایی‌ناپذیر است که آن را شکوه حقیقت می‌داند (پهزادفر، ایلکا و ایلکیا، ۱۳۹۱: ۷۷).	
	نقی‌زاده با بسیاری تعابیر دلخواه مثل حقیقت، حسن، خوبی، نیکی و خیر همراه است؛ هر آنچه که مطلوب نامیده شد یا مطلوب فرض شده و انسان، طالب تحصیل آن می‌شود را می‌توان واجد مرتبه‌ای از زیبایی دانست (نقی‌زاده، ۱۳۸۶: ۲۳۲-۲۳۳).	
	امام خمینی صفت یا ویژگی عارض بر چیزی نیست بلکه خاصیت ذاتی شیء است و در مقایسه زیبایی‌ها، مراتب وجودی اشیاء مقایسه می‌شوند (نقره‌کار، ۱۳۹۴: ۹۱).	
	آیت الله آملی زیبایی عبارت است از شیء محسوس یا نامحسوس که با دستگاه ادراکی (مدرک) ملائمت و هماهنگی داشته‌باشد و از آن لذت ببرد (تیموری، ۱۳۸۴: ۴۵).	

- 1- Bolzano
- 2- Le Corbusier
- 3- Wright
- 4- Wagener
- 5- Loos
- 6- Venturi
- 7- V.cousin
- 8- Cowan
- 9- Cuthbert
- 10- Read
- 11- Guastalla
- 12- Schuon
- 13- vitech



	زیبایی عینی است، مکان هندسی آن درون اثر هنری است و نه در درون بیننده که شاید بتواند آن را دیده، درک کند و شاید نتواند (اردلان وبختیار، ۱۳۹۰: ۴۰).	اردلان
	زیبایی یعنی زیندگی و سازواری بخش‌ها با یکدیگر (پیرنیا، ۱۳۹۵: ۱۳).	پیرنیا

## ۴- مبانی نظری

### ۴-۱- میزان و مراتب زیبایی

میزان زیبایی، احساس لذتی است که ادراک‌کننده بر اثر تمایل به تکرار تجربه فردی در عالم مشاهده درونی، دریافت می‌کند که بر اثر کسب تجربه در هر زمینه در انسان رشد می‌یابد (نیوتن، ۱۳۶۶: ۲۵۷). برای میزان زیبایی می‌توان مراتب کمیت و کیفیت متصور شد که از این طریق کیفیت هنری و معیارهای ارزیابی حاصل می‌شود. کمیت هنری به معیارهایی اشاره می‌کند که بر اندازه زیبایی نظر دارد البته تلاش‌هایی برای تبیین و تعیین کمی زیبایی در هنر معماری صورت گرفته‌است که زیبایی را با استفاده از آن معیارها و با فرمول ریاضی اندازه می‌گیرد (پهزادفر، ایلیکا، الیکا، ۱۳۹۱: ۷۲). از دیگر معیارهای زیبایی‌شناسی می‌توان به ارزیابی مبتنی بر ارزش، اشاره کرد که ارزش‌گذاری زیبایی را از سطح اصیل تا بی‌ارزش طبقه‌بندی می‌کند که معمولاً ارزش‌های پایه زیبایی‌شناختی به سبک و مد تقسیم می‌شوند. ملاک طبقه‌بندی مراتب زیبایی از منظرهای گوناگون و متنوعی قابل انجام و مورد نیاز است؛ این تنوع، از سویی با زمینه، بستر و عوامل ادراکی انسان ارتباط دارد؛ مثل آن که به تناسب ادراکات حسی و عقلی، مراتب زیبایی در گروه زیبایی‌های محسوس و زیبایی‌های معقول طبقه‌بندی می‌شوند و از سوی دیگر، می‌توان زیبایی را به استناد خالق پدیدآورنده‌اش طبقه‌بندی کرد. همچنین ممکن است دسته‌بندی مراتب زیبایی بر حسب حواس دریافت‌کننده آن نیز انجام شود. تمرکز بر ساحت‌های حیات انسان، شیوه دیگری برای طبقه‌بندی مراتب زیبایی است (نقی‌زاده، ۱۳۹۳: ۱۰۸) که در مجموع، بستگی به تعریف و رویکردهای نگرش به زیبایی‌شناختی دارد.

### ۴-۲- ادراک زیبایی‌شناختی در محیط

زیبایی‌شناسی یک مفهوم مبهم، متکثر، پیچیده و مناقشه‌برانگیز است که نه تنها به این دلیل، مقوله زیبایی پیچیده است بلکه به دلیل آن است که آثار هنری منبعث از زیبایی‌شناسی؛ نسبی، ناهمگن، متناقض و ناهمگون است (Waistell, 2015: 4). نفوذ زیبایی در محیط انسان‌ساخت، یکی از موضوعات مهم است که در بیست سال گذشته مورد بحث جدی قرار گرفته‌است و گروه‌های زیادی در این مورد مطالعه نموده‌اند (Danaci, 2014: 190). این مطالعات تأثیر حس زیبایی محیط ساخته شده بر احساسات و رفتار را بررسی می‌کند که مورد توجه معماران، جغرافیدان‌ها و روانشناسان محیط قرار گرفته‌است و اهمیت زیبایی‌شناختی را به عنوان جزئی از مطالعه محیط زندگی، بسیار برجسته نموده‌است (Gilboa & Rafaeli, 2003: 4). یکی از مباحث جدی، ادراک انسان از محیط است و از محورترین مقولات در روانشناسی محیطی است. ادراک محیطی فرآیندی است که از طریق آن، انسان داده‌های لازم را بر اساس نیازش از محیط پیرامون خود برمی‌گزیند (مطلبی، ۱۳۸۰: ۵۵)، آن را ارزیابی می‌کند و در واقع ادراک محیطی، ارزیابی یا تعیین خوب و بد بودن عناصر محیطی را شامل می‌شود (شمس اسفندآباد، ۱۳۹۳: ۱۹). ادراک محیطی، بستگی به دو اصل مکمل ادراک دارد: الف) ایجاد انگیزش در مخاطب از طریق تجربه‌ای نو، تازه و همچنین ایجاد شوق آشنایی با طرح که در پاسخ به تغییرات می‌باشد. ب) پاسخ به احساس طرب که نیازمند وجود تغییر پویایی و تحول است. ادراک نیازمند تنوع و اطلاعات جدید می‌باشد و در عین حال جویای امنیت در نظم و تکرار است. الگویی که باید حاوی تغییر غیر منتظره و پویا باشد. درک زیبایی‌شناختی در واقع به طراحان کمک می‌کند تا این روش‌ها را به عنوان عاملی مهم بکار برند و به استاندارد قابل قبول زندگی برای مردم نزدیک کنند تا بتوانند با ایجاد محیط‌های بصری خوشایند، زمینه احساس خوب و رضایت را در ساکنین زنده کند و مخاطب را به جای تماشاگری به بازیگری دعوت نماید (Uzunoglu, 2012: 91).

### ۴-۳- زیبایی‌شناسی محیطی

زیبایی‌شناسی محیطی به عنوان یک رشته هنری شامل دو زمینه زیبایی‌شناسی و روان‌شناسی است که در مورد چگونگی مسائل محیطی و شکل‌دادن به آنها با روش‌های علمی در رابطه بین محرک‌های فیزیکی و واکنش‌های انسانی در زمینه زیبایی و احساس خوب محیطی استفاده می‌شود (Nasar, 1988). مسائل زیبایی‌شناسی محیطی با زیبایی‌شناسی‌های هنرها متفاوت است، هر چند ممکن است پیوندی هم بین آنها یافت شود. زیبایی‌شناسی محیطی، در وسیع‌ترین معنای خود انسان را با کل مجموعه‌ی محیط خود آمیخته می‌نماید بطوریکه انسان با درک و لذت از محیط، جزئی از آن می‌شود که در این حالت، تجارب ذاتی مبتنی بر کیفیات حسی با درک مستقیم رضایتمندی غلبه می‌یابد. درک محیط شامل مجموعه‌ای از ادراکات انسانی است که شامل عواملی از قبیل تجربه زیستن فضا، حجم، زمان، جابجایی رنگ، نور، بو، صدا، لمس، حرکت، الگو، نظم و معنا می‌شود که دخالت فعالانه تمامی وجوه حسی

را توأم با حس خوب ادراکی در بر دارد و مخاطب را با تمامی آگاهی و هشیاری‌اش در این تجربه درگیر می‌کند. به علاوه یک جنبه‌ی ارزش‌گذاری نیز در این حالت هست که دامنه‌ی درک مخاطب را پوشش می‌دهد و همین نکته است که زیربنای داورهای ارزشی مثبت یا منفی ما را نسبت به محیط تشکیل می‌دهد (برلینت، ۱۳۸۶: ۲۸۹). معمولاً زیبایی شهرها، محله‌ها یا بخش‌های دیگر محیط‌های ساخته شده، فعالیت‌های روزمره ما را تحت تأثیر قرار می‌دهد و موجب احساساتی مانند لذت، آرامش، هیجان و ترس می‌شود. این واکنش‌های احساسی با ویژگی‌های زیبایی‌شناختی محیط‌های متفاوت بر رفتارهای ما تأثیر می‌گذارد و انتظار ما را از محیط شکل می‌دهد؛ همچنین زیبایی‌شناسی محیطی، بررسی نحوه واکنش مردم به کیفیت بصری محیط را نیز بررسی می‌کند (Ataov, 1998: 239). بنابراین در کل می‌توان استنباط کرد که زیبایی‌شناسی محیطی عبارت است از بررسی تجربه‌ی درک محیط براساس ارزش‌های ذاتی، ادراک مستقیم، جنبه‌ی شناختی و ادراکی حاصل از برآیندهای بیرونی و درونی که از محیط به ما دست می‌دهد. هدف اصلی در زیبایی‌شناسی محیطی، درک میزان تأثیر محیط و ترجمان این درک به اصول طراحی محیط است (رزاقی اصل و آذین، ۱۳۹۲: ۲)؛ منتها تلاش اصلی اینجاست که بتوان اصول پایدار و زیبایی‌شناسی در طراحی محیط را تبیین و به این منظور، بحث ارزش‌ها در زیبایی‌شناسی آورده می‌شود.

#### ۴-۴- ارزش‌های مطرح در زیبایی‌شناسی با تأکید بر رویکردهای بومی

برای دستیابی به اصول کلی و بومی مشترک زیبایی‌شناختی در ادوار مختلف با بهره از نگاهی که در سه دوره مختلف شرق و غرب به مقوله زیبایی‌شناسی شده‌است؛ می‌توان اهم اصول پایدار زیبایی‌شناختی که در تمام ادوار دارای اشتراک است به شرح تناسب، توازن، وحدت، هندسه، ترکیب، مقیاس انسانی و تنوع را نام برد. لازم به ذکر است که نظریات غالب در دیدگاه مستشرقین به ویژه ایران بر بعد معنوی و ارزشی زیبایی‌شناسی متمرکز بوده که در این پژوهش، این ارزش‌ها در بعد کالبدی مورد توجه واقع شده‌است. در ادامه به منظور شناخت درست هر چه بیشتر اصول زیبایی‌شناسی پیشگفته به بررسی آنها در سه مکتب و سه دوره مطرح معماری و شهرسازی ایران؛ مکتب سنت، مکتب اصفهان و مکتب تهران پرداخته شده‌است. لازم است ابتدا شرح مجملی از اصول کلی زیبایی‌شناسی این سه دوره بیان شود. در معماری عصر سنت به زعم پیرنیا، می‌توان پنج اصل نیارش (پیمون)، پرهیز از بیهودگی، مردم‌واری، خودبسندگی و درون‌گرایی را به عنوان اصول زیبایی‌شناسی سنتی معماری ایران نام برد. در مکتب شهرسازی و معماری اصفهان که در واقع به عنوان تنها سبک مهم و قاطع شهرسازی کشور در همه ادوار محسوب می‌گردد؛ حیثی به عنوان شارح مکتب مذکور، اصول مهم زیبایی‌شناسی این مکتب را بیان می‌دارد که عبارتند از: سلسله‌مراتب، وحدت و کثرت، تمرکز، عدم تمرکز، تباین، تجمع، اتصال، تناسب، توازن، تداوم، قلمرو، سادگی، پیچیدگی، ترکیب، استقرار و ایجاز. شماری از اصول مطرح زیبایی‌شناسی در مکتب شهرسازی تهران به دلیل همزمانی پیدایش این مکتب با ورود مدرنیته به کشور، به کلی دگرگون می‌شود و رنگ و بویی غربی می‌گیرند و بسیاری از اصول بومی در ترکیب با مفاهیم تازه‌ای که از غرب می‌آمد به شکل و شمایل جدیدی رخ می‌نمایند که می‌توان به اصولی همچون تنوع شکلی و فرمی، پیدایش مقیاس‌های فرا انسانی، استفاده از تناسبات و تزئینات به شیوه نئوکلاسیک غرب، التقاط، برون‌گرایی در ساخت و سازها، بنیاد ساختمان با استفاده از نقشه (رواج هندسه‌مندی)، استفاده از تزئینات گچی، استفاده از اشکال جدید در معماری، ترکیب‌های متنوع و غیره اشاره کرد که جدول شماره ۲، در شرح مختصری به آن پرداخته‌است.



جدول شماره ۲: ارزش‌های ثابت زیبایی‌شناسی در مکاتب مختلف شهری ایرانی

مکتب سنت	مکتب اصفهان	مکتب تهران
<p>در جهان سنتی، هندسه از سایر علوم فیثاغورسی؛ یعنی حساب، موسیقی و نجوم، تفکیک‌ناپذیر بوده، در طراحی شکل‌ها و فرم-ها، معمار ایرانی با ارتباط بین نسبت‌ها براساس اصولی انتزاعی و فراطبیعی با زبانی نمادین، شکل‌هایی را بیان کرده که هندسه مقدس نام گرفته و در طول تاریخ باقی مانده است (نصرآبادی، پورجعفر و تقوایی، ۱۳۹۴: ۴۲). در معماری سنتی، اشکال هندسی، کارکردی بیشتر از ابزارهای فنی دارند که علاوه بر جنبه عملکردیشان، جنبه نمادیشان برای یادآوری اصول روحانی به انسان است (اردلان، بختیار، ۱۳۹۰: ۱۱۷).</p>	<p>در دوران صفویه، معماران و شهرسازان دارای ذهنی هندسی و دید بسیار صحیح علمی از اصول شهرسازی بوده‌اند. استفاده از اشکال و تناسبات هندسی در مفهوم‌های نمادین و فلسفی آن به منظور تأثیرگذاری روانی بر مخاطب مؤثر بوده‌است؛ به طوری که شکل‌های با تکرار تناسبات وابسته به یک نقش، نوعی احساس زیبایی، نظم و هماهنگی می‌آفریند که به عنوان شاخصه اصلی معماری در بسیاری از فضاها و بناهای اصفهان عصر صفوی و در ترکیب با یکدیگر به صورت مکمل دیده شده‌است (نصرآبادی، پورجعفر و تقوایی، ۱۳۹۴: ۴۲).</p>	<p>در این دوره، هندسه‌مندی در ساخت و سازهای جدید، خیابان‌کشی‌ها، مرکزیت هندسی کاخ‌ها و ارگ شهر، تهیه نقشه برای ساخت و سازها (تهیه نقشه دارالخلافه ناصری به عنوان پایه‌گذاری سبک تهران) سرمشق قرار گرفت.</p>
<p>ایرانیان از ابتدا سعی می‌کردند در ابعاد ساختمان‌ها، تناسب‌هایی را به کار گیرند که بازتاب رابطه‌ای کیهانی و دربردارنده نسبت-های زرین باشد (بختیار، پورجعفر و تقوایی، ۱۳۹۴: ۴۲). در نسبت و تناسب، اندازه و عدد دخالت دارد و پیشینه این دریافت که زیبایی با نسبت و تناسب اندازه‌ها ارتباط دارد به عهد باستان بازمی‌گردد (توسلی، ۱۳۶۵: ۱۱۵).</p>	<p>نسبت ابعاد و اندازه‌ها، نسبت احجام و ساختمان‌ها، نسبت فضاهای انباشته و تهی، نسبت محدودیت و بی‌کرائگی، نسبت انسان، فضا و غیره، همه در امری می‌گنجد که زیبایی جهان در تناسب آن معنا می‌شود (حبیبی، ۱۳۹۱: ۱۰۵).</p>	<p>وقتی معماری را از زوایای دیگر مانند اندازه‌ها، تناسبات، شکل‌ها و تزئینات نگاه کنیم؛ معماری دوره قاجار وضعیت نازل‌تری را نسبت به دوره‌های گذشته خود و به خصوص دوره صفوی نشان می‌دهد. اندازه‌ها دقت لازم را ندارند، تناسبات در مرتبه نازل‌تری نسبت به تناسبات موزون و اندیشیده شده‌ی دوره‌های قبلی قرار می‌گیرند (بانی مسعود، ۱۳۹۴: ۷۵).</p>
<p>توازن را می‌توان ترکیبی از تعادل و تقارن دانست که دارای خصوصیتی از هر دو می‌باشد. تقارن یکی از اصول طراحی به شمار می‌رود که در دوران باستان در بسیاری از بناهای عمومی و مذهبی به کار رفته‌است؛ در واقع یکی از اصول و گرایش‌های افراطی در معماری ایران تقارن است. بسیاری از الگوها مانند چهار ایوانی، چهارصفه، هشتی و غیره بر مبنای تقارن ساخته شده‌اند (صارمی و رادمد، ۱۳۷۶).</p>	<p>مکتب اصفهان در شهرسازی در پی تحقق بخشیدن به اصل تعاون و توازن است. موزونی روابط فضایی، اشکال و فعالیت‌ها (اهری، ۱۳۹۳: ۴۶)، هماهنگی و هماوایی عناصر متباین در معرفی یک مفهوم و یا یک عنصر واحد، سبب می‌گردند تا اصل تقارن و فضای متقارن در این مکتب معنای چندانی نیابد و جز در اجزا و ذره-فضاها به کار گرفته نشود (حبیبی، ۱۳۹۱: ۱۰۰).</p>	<p>عدم تقید به ایجاد تقارن در نقوش تزئینی و همچنین نقوش متقارن نئوکلاسیک در این مکتب دیده می‌شود (سعادت و خمسه، ۱۳۹۶: ۱۸۷).</p>
<p>ترکیب بر پیوند و ترتیب اجزا و عناصر استوار است. در بدنه ساختمان اگر پیوند و ترتیب اجزا و عناصر از قبیل در، پنجره، ستون، نیم‌ستون و جان‌پناه بام، درست باشد ترکیب قوی است و گرنه ترکیب ضعیف است (توسلی، ۱۳۶۵: ۱۰۲). ترکیبات قوی از قرارگیری اجزا در کنار یکدیگر، معماری سنت ما را ساخته‌است. در طول قرن‌ها در معماری ما، برخی ترکیبات و اشکال (همانند برخی فضاها از چهار تاقی نیاسر تا مسجد شیخ لطف‌الله) در تاریخ معماری ایران تداوم یافته‌اند.</p>	<p>ترکیب اعدادی سبب ایجاد فضای متفاوت می‌شود. دوام ترکیب اعداد چه در معماری و چه در شهرسازی از طریق تناسب در ترکیب‌ها پایدار بود تا بتواند روابط متقابل و اجزای متناظر را به نمایش گذارد (حبیبی، ۱۳۹۱: ۱۰۶).</p>	<p>در این دوره، استفاده از ترکیب‌های متنوع پیش‌آمدگی و پس‌رفتگی، بالکن‌های جلوزده، برون‌گرایی و ظهور پنجره‌های تزئینی رو به خیابان، ورودی پیش‌آمده، ارتباطات عمودی نمایان و مهم، خط آسمان شکسته با سنتوری یا شیروانی، پنجره‌ها و درهای هلالی (سعادت و خمسه، ۱۳۹۶: ۱۸۷)، همچنین مفصل‌های فضایی، عامل ارتباط دهنده دو فضا در ترکیب-بندی بوده و انقطاع به جداره‌ها راه نداشته‌است (احمدی، توزنده جانی، ۱۳۹۵: ۴).</p>

مکتب سنت	مکتب اصفهان	مکتب تهران
مقیاس انسانی	مقیاس انسانی در مفهوم مادی و عددی آن در آمد و شد انسان از عروج به فرود و از لاهوت به ناسوت و بر عکس آن، رنگ می‌بازد. در مکتب اصفهان نه مقیاس بلکه فضای انسانی مطرح می‌شود. مقیاس‌ها، اندازه‌ها، احجام، گشودگی‌ها، بسته‌شدن‌ها و غیره، همه بر آن می‌شوند که بیانگر این فضا باشند (حبیبی، ۱۳۹۱: ۱۰۱). این مکتب در واقع در پی انسانی کردن فضاها و مرتبت وجودی بخشیدن به شأن وی است (اهری، ۱۳۹۳: ۴۶).	مقیاس‌های فرا انسانی از این دوره کم‌کم بروز می‌یابند (زیاری، زیاری و عبدلی، ۱۳۹۳) شروع این ساخت و سازها با عمارت پنج طبقه شمس العماره در ارگ سلطنتی آغاز می‌شود.
تنوع	در مکتب اصفهان، فضای شهری در انبساط خویش روی به کثرت دارد و تنوع؛ روی به تجزیه شدن دارد و گوناگونی (حبیبی، ۱۳۹۱: ۱۰۴). در تنوع و تکرار، هر جز و عنصری فارغ از دیگر اجزا و عناصر؛ هویت، شخصیت و معنای خویش را دارد (اهری، ۱۳۹۳: ۴۳).	در این دوره، خلاقیت‌های فضایی افزایش می‌یابد، تنوع فضاها بیشتر می‌شود و فضاها نوبنی خلق می‌شوند. فضاها به گشایش و سبکی بیشتری می‌رسند و الگوهای قدیمی معماری ایران در جهت گسترش فضا تکامل می‌یابند (بانی مسعود، ۱۳۹۴: ۷۵) و عامل اختلاط و دورگه بودن، اصلی در خلق تنوع و شگفتی می‌شود.
وحدت	فضای شهری در انقباض خود و در مجموعه هبسته‌اش، روی به وحدت دارد و یکسانی، روی به ترکیب دارد و همگونی؛ در واقع، فارغ از چگونگی ترکیب عناصر و اجزا، آنها میل به وحدت در یک هویت کلی دارند (حبیبی، ۱۳۹۱: ۱۰۴).	معماری ایرانی در جستجوی کمال خویش؛ یعنی نایل شدن به اندیشه وحدت را در سنتز میان نظم و راز می‌جوید. زبان رمزپرداز معماری ایرانی با تعامل میان ابزار بیانی خویش یعنی رمزگان و اصل شفافیت، ساختار فضایی معماری را جهت می‌بخشد و با بکارگیری عالم نظم یعنی هندسه، اندیشه وحدت را متبلور می‌سازد (ناظر و همکاران، ۱۳۹۴). در مجموع، عوامل سازنده وحدت در معماری سنتی ایران را می‌توان هندسه، نظم و تناسب نامید؛ سایر عوامل که در کنار این موارد می‌توانند در القای حس وحدت تأثیر بسزایی داشته باشند عبارتند از: نور، رنگ، نمادها، رموزها، اعداد، افزایش فضا و کاهش ماده، سبکی و شفافیت، انعکاس (آب و آینه) و بهره‌گیری از عناصر طبیعت در فضای معماری (وحیدی، فاروقی و تباراری، ۱۳۹۳: ۸).

## ۵- تحلیل و بررسی نمونه مطالعاتی

باتوجه به موارد مورد بحث و استخراج ارزش‌ها و اصول زیبایی‌شناختی در ادوار مختلف، نتایج حاصله در شهرک پردیسان قم مورد ارزیابی قرار گرفته‌است. به این منظور، مسکن مهر کوی بهشت، آراین و خاتم‌الانبیا به عنوان نمونه‌های مطالعاتی انتخاب شدند که جدول شماره ۳، تحلیل اصول زیبایی‌شناسی در نمونه‌های مذکور را ارائه می‌دهد.

جدول شماره ۳: ارزیابی ارزش‌های ثابت زیبایی‌شناسی در نمونه‌های مطالعاتی

مسکن مهر کوی بهشت	مسکن مهر آراین	مسکن مهر خاتم‌الانبیا	
 عدم تعریف تناسب دقیق تعریف شده در جانمایی بازشوها و ابعاد آنها (نبود الگوی استحکام بصری در نما، عدم تناسب بین فضاهای پر و خالی جداره).	 وجود تناسب نسبی در ابعاد و تعداد بازشوها نسبت به جداره، تناسب نسبی بین بر و ارتفاع ساختمان.	 نبود تناسب در ابعاد بازشوها و فضای مابین آنها، نبود تناسب در تعریف شکل بازشوها نسبت به یکدیگر (از لحاظ بزرگی - کوچکی و شکل آنها)	<b>تناسب</b>
 توازن و تعادل شکلی در نما و وزن‌های بصری، ارکان عمودی - افقی و الگوی تقارن مشاهده می‌شود.	 به صورت کلی، توازن و تعادل شکلی و تقارن در نمای ساختمان و ارکان آن مشهود است.	 به صورت کلی توازن و تعادل شکلی در نما و ارکان آن و در بعضی قسمت‌های جداره، تقارن محوری مشاهده می‌شود.	<b>توازن</b>
 وحدت بصری در جداره‌ها به دلیل همگونی مصالح دیده می‌شود. هرچند وحدت در ترکیب اجزا و جزئیات دیده نمی‌شود.	 وحدت بصری در جداره‌ها به دلیل همگونی مصالح دیده می‌شود. هرچند وحدت در ترکیب اجزا و جزئیات دیده نمی‌شود.	 وحدت بصری در جداره‌ها به دلیل همگونی مصالح دیده می‌شود. هرچند وحدت در ترکیب اجزا و جزئیات دیده نمی‌شود.	<b>وحدت</b>
 هندسه‌گرایی در تفکیک قطعات، شکل‌دهی نماها، بازشوها و ترکیب اشکال با یکدیگر.	 هندسه‌گرایی در تفکیک قطعات، شکل‌دهی نماها، بازشوها و ترکیب اشکال با یکدیگر.	 هندسه‌گرایی در تفکیک قطعات، شکل‌دهی نماها، بازشوها و ترکیب اشکال با یکدیگر.	<b>هندسه</b>
 عدم ترکیب مناسب در توده و فضا، جزئیات نما و محوطه‌سازی آنها.	 عدم ترکیب مناسب در توده و فضا، جزئیات نما و محوطه‌سازی آنها.	 عدم ترکیب مناسب در توده و فضا، جزئیات نما و محوطه‌سازی آنها.	<b>ترکیب</b>
 ارتفاع ساختمان در حدود ۲۲ متر و شش طبقه با مقیاس انسانی سازگار نیست.	 ارتفاع ساختمان در حدود ۱۶ متر و چهار طبقه با مقیاس انسانی تا حدی سازگار است.	 ارتفاع ساختمان در حدود ۱۹ متر و با پنج طبقه با مقیاس انسانی سازگار نیست.	<b>مقیاس انسانی</b>
 عدم تنوع در جنس و شکل مصالح، نبود جزئیات در جداره، عدم تنوع در ترکیب توده - فضا و اتصال توده‌ها به یکدیگر و نبود تنوع در شکل بازشوها.	 عدم تنوع در جنس و شکل مصالح، نبود جزئیات در جداره، عدم تنوع در ترکیب توده - فضا و اتصال توده‌ها به هم و نبود تنوع در شکل بازشوها.	 تنوع در جنس، رنگ مصالح و شکل بازشوها، نبود جزئیات در جداره، عدم تنوع در ترکیب توده - فضا و اتصال توده - ها به یکدیگر.	<b>تنوع</b>

## ۶- نتیجه گیری

این پژوهش با هدف بررسی و تبیین ارزش‌های پایدار زیبایی‌شناختی در ادوار مختلف، پس از مروری بر ادبیات پیشینه، هفت اصل ماندگار زیبایی‌شناختی از اشتراکات تعاریف اندیشمندان با عناوین تناسب، توازن، وحدت، هندسه، ترکیب، مقیاس انسانی و تنوع استخراج نمود؛ اصول مذکور در سه مکتب و سه دوره مطرح معماری و شهرسازی ایران؛ مکتب سنت، مکتب اصفهان و مکتب تهران مورد تحلیل قرار گرفت و در ادامه نمونه‌های مطالعاتی مورد ارزیابی قرار گرفت. تفاوت نتایج پژوهش حاضر با سایر تحقیقات صورت گرفته در حیطه‌ی زیبایی‌شناختی، ارائه اشتراکات مقوله زیبایی‌شناختی در دوره‌های گوناگون است؛ بکارگیری اصول مذکور در سنجش و بهبود کیفیت در فرایند ارزیابی، ساماندهی و طراحی سکونتگاه‌های شهری امری ضروری است. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که متأسفانه، بسیاری از اصول زیبایی‌شناسی در سکونتگاه‌های مسکن مهر رعایت نشده و یا به طرز ضعیفی اجرا شده‌است؛ حال آنکه امروزه اهمیت مباحث زیبایی‌شناختی با تغییر و تحولات صورت گرفته در بخش مسکن و تأثیرات این مهم بر جنبه‌های روحی و روانی شهروندان، بیش از گذشته احساس می‌گردد اما متأسفانه برخی معماران و جریان‌های هنری در پی فرهنگ‌سازی نوعی زیبایی‌شناسی شخصی و سلیقه‌ای هستند که غالباً بر مبنای مد و یا بدون مطالعات روانشناختی است؛ از طرفی دیگر گاهی به بهانه تقلیل بودجه و کمبود تسهیلات، به ساخت و سازهای بی‌کیفیت روی آورده می‌شود. توجه به الزامات و قواعد زیبایی‌شناختی با رعایت اصول پایدار آن که منطبق بر معماری بومی و اصیل ایرانی است و در طول ادوار مختلف غنی و بارور شده حائز اهمیت است تا مشکلاتی که در بعد زیبایی‌شناسی بر مسکن و فضاهای شهری حادث گردیده را مرتفع سازد. با اتکاء بر یافته‌های تحقیق، راهکارهای زیر را می‌توان گامی در راستای ارتقای کیفیت زیبایی‌شناختی سکونتگاه‌های مسکن مهر منطبق بر اصول زیبایی‌شناختی ماندگار برشمرد:

بهره‌گیری از تناسب و ریتم‌های تعریف شده در طراحی بازشوهای جداره‌ها، تعریف خط آسمان متنوع و تعریف شده با ایجاد تأکیدات در آن؛ استفاده از هندسه تعریف شده در ترکیب‌بندی شکلی و حجمی بناها؛ استفاده از جزئیات، موتیف‌ها، الگوها و پیچیدگی‌های شکلی و حجمی منطبق با زمینه در جداره‌ها؛ استفاده از مقیاس انسانی برای انسانی شدن فضاها (ساخت و سازهای کوتاه‌مرتبه)؛ استفاده از ترکیب‌بندی متنوع و نظام‌مند در توده-فضا؛ دستیابی به وحدت شکلی، عملکردی از طریق ترکیب مصالح، ترکیب‌بندی اشکال، جزئیات ارکان اصلی و فرعی نماها، اشکال، بازشوها، تعریف خط بام، خط زمین در کنار هم؛ ایجاد تعادل در مجموعه‌ها از طریق ترکیب توده-فضا و الگوی استحکام بصری جداره‌ها؛ استفاده از نرم‌فضاها (عنصر آب و گیاه) در ترکیب با ساخت فضاها برای چشم‌نوازی بصری بیشتر؛ استفاده از مصالح متنوع و بومی با کیفیت؛ استفاده از ترکیب و هارمونی رنگهای مشخص در نماها؛ همچنین، مشارکت جمعی مردم جهت جلوگیری از آلودگی‌ها و زوائد بصری؛ آموزش شهروندان در زمینه زیباسازی فضاهای شهری موجود و ارتقای نظارت اجتماعی در نگهداری از آن؛ زیباسازی مشارکتی توسط گروه‌های داوطلب مردمی سازماندهی شده؛ بهره‌گیری از آموزه‌های غنی الگوی معماری بومی در زیباسازی شهر؛ تدوین ضوابط و دستورالعمل‌های الزام آور و اجرایی در حوزه سیما و منظر شهری.

## منابع

۱. آبوایان، سیمون، (۱۳۸۱). زیبایی‌شناسی و خاستگاه آن در نقد معماری، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۱۲.
۲. اردلان، نادر و بختیار، لاله. (۱۳۹۰)، حس وحدت، نقش سنت در معماری ایرانی، ترجمه‌ی ونداد جلیلی، ۱۳۹۰، چاپ دوم، تهران: انتشارات علم معمار رویال.
۳. امین‌زاده، بهناز، (۱۳۸۹)، «ارزیابی زیبایی و هویت مکان»، نشریه هویت شهر، شماره ۳.
۴. احمدی، سارا و توزنده‌جانی، امید. (۱۳۹۵)، «نگاهی به اصول و قواعد شهرسازی در جداره‌ها با تأکید بر میدان، سبک تهران»، دومین کنفرانس بین‌المللی شهرسازی، مدیریت و توسعه شهری، شیراز.
۵. اومبرتو، اکو و شهدادی، جهانگیر. (۱۳۹۰)، تاریخ زیبایی (نظریه‌های زیبایی در فرهنگ‌های غربی)، ترجمه‌ی هما بینا، تهران: موسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری متن.
۶. اهری، زهرا، (۱۳۹۳). مکتب اصفهان در شهرسازی، دستور زبان طراحی شالوده شهری، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، فرهنگستان هنر.
۷. ایزدی، ملیحه و اکرمی، مهسا. (۱۳۹۶)، «واکاوی مفهوم زیبایی در فضای شهری»، نشریه علمی ترویجی راهبرد توسعه، شماره ۵۰.
۸. انصاری، مریم، بختیار نصر آبادی، حسنعلی، لیاقت دار، محمد جواد و باقری، خسرو. (۱۳۹۳)، «تحلیلی بر نظریه تجربه زیبایی‌شناسی جان دیویی، فصلنامه پژوهش در برنامه‌ریزی درسی»، شماره ۴۱.
۹. بانی مسعود، امیر. (۱۳۹۴)، معماری معاصر ایران در تکاپوی بین سنت و مدرنیته، چاپ ششم، تهران: نشر هنر معماری قرن.
۱۰. بندرآباد، علیرضا و شاهچراغی، آزاده. (۱۳۹۴)، محاط در محیط، کاربرد روان‌شناسی محیطی در معماری و شهرسازی، چاپ اول، تهران: انتشارات سازمان جهاد دانشگاهی تهران.

۱۱. بحرینی، سیدحسن. (۱۳۹۱)، فرآیند طراحی شهری، چاپ هشتم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۲. بهزادفر، مصطفی، ایلکا، شهاب و ایلیکا، شاهین. (۱۳۹۱)، «رویکردی تحلیلی بر تبارشناسی زیبایی شناسی شهری در تعامل با ساختار مدیریتی شهر؛ بررسی و پیمایش جهانی با ارائه راهکارهای راهبردی و اجرایی»، دوفصلنامه مدیریت شهری، شماره ۳۰.
۱۳. برلینت، آرنولد و علافجی، جواد. (۱۳۸۶)، «زیبایی شناسی محیطی»، فصلنامه مطالعات نظری زیباشناخت، شماره ۱۶.
۱۴. پیشاب، پل. (۱۳۸۶)، «نقد اجتماعی و زیبایی شناسی در شوپنهاور»، ترجمه‌ی ابوالفضل مسلمی، فصلنامه مطالعات نظری زیباشناخت، شماره ۱۶.
۱۵. بیردزلی، مونروسی و هاسپرس، جان. (۱۳۸۷)، تاریخ و مسائل زیبا شناسی، ترجمه‌ی محمدسعید حنائی کاشانی، تهران: انتشارات هرمس.
۱۶. بختیار نصرآبادی، آمنه، پورجعفر، محمدرضا و تقوایی، علی اکبر. (۱۳۹۴)، «تحلیلی بر نقش زیباشناسانه هندسه در شکل‌گیری فضای شهری چهارباغ عباسی»، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات شهری، شماره ۱۷.
۱۷. بهرامی، مهدی. (۱۳۹۴)، «رابطه زیبایی‌شناسی و متافیزیک از نظر فارابی»، فصلنامه علمی پژوهشی کیمیای هنر، شماره ۱۴.
۱۸. بولخاری، حسن. (۱۳۸۷)، آشنایی با فلسفه هنر، چاپ دوم، تهران: انتشارات سوره مهر.
۱۹. بهلولی فوسخودی، محسن. (۱۳۸۸)، «منتقدان واقعی معیار قضاوت زیبایی‌شناسی از دیدگاه هیوم»، فصلنامه فلسفه و کلام، شماره ۴۰.
۲۰. پاکزاد، جهانشاه. (۱۳۹۱)، مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری، چاپ پنجم، تهران: انتشارات شهیدی.
۲۱. پاکزاد، جهانشاه و بزرگ، حمید. (۱۳۹۵)، الفبای روانشناسی محیط برای طراحان، چاپ چهارم، تهران: انتشارات آرمان شهر.
۲۲. پیرنیا، کریم. (۱۳۹۶)، آشنایی با معماری اسلامی ایران، چاپ ششم، تهران: انتشارات غلامحسین معماریان.
۲۳. پورجعفر، محمدرضا، تقوایی، علی اکبر، آزاد فلاح، پرویز و صادقی، علیرضا. (۱۳۹۳)، «بازخوانی ابعاد زیبایی‌شناسی محیطی فرم شهر؛ مورد پژوهی: استخوان‌بندی اصلی شهر تاریخی اصفهان»، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۱۵.
۲۴. تیموری، محمود. (۱۳۸۴)، «نقدی بر زیبایی‌شناسی شوان»، دو فصلنامه باغ نظر، شماره ۳.
۲۵. توسلی، محمود. (۱۳۶۵)، اصول و روش‌های طراحی شهر و فضاهای مسکونی در ایران، جلد دوم، تهران: وزارت مسکن و شهرسازی.
۲۶. جعفری، محمد تقی. (۱۳۹۲)، زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام، چاپ هفتم، تهران: موسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
۲۷. حبیبی، سید محسن. (۱۳۹۱)، از شار تا شهر، تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن، چاپ دوازدهم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۸. حبیبی، محسن، تحصیلدار، مهدی و پور محمد رضا، نوید. (۱۳۹۵)، «شرحی بر اصول و قواعد شهرسازی بومی در ارتباط با نظریه‌های معاصر شهرسازی، فصلنامه مسکن و محیط روستا»، شماره ۱۳۵.
۲۹. خرقانی، حسن. (۱۳۹۰)، دیدگاه علامه طباطبایی در حوزه زیبایی‌شناسی و اخلاق، فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، شماره ۶۸.
۳۰. خرقانی، حسن. (۱۳۸۷)، «مفاهیم زیبایی‌شناختی در قرآن»، فصلنامه مطالعات اسلامی، شماره ۸۰.
۳۱. پورتوس، داگلاس. (۱۳۹۱)، «زیبایی‌شناسی محیط زیست و معماری منظر»، ترجمه‌ی لیلا آفاداداشی و مرتضی صدیق، چاپ اول، تهران: چاپ سبز آرنگ.
۳۲. رزاقی اصل، سینا و حسن ولی، آذین. (۱۳۹۲)، «بازشناسی نقش آموزش زیبایی‌شناسی محیط زیست در ارتقاء پایداری زیست محیطی مکان»، دومین همایش ملی معماری پایدار و توسعه شهری، بوکان.
۳۳. زیاری، رضا، زیاری، کرامت‌الله، زیاری، سمیه و عبدلی، محمدرضا. (۱۳۹۳)، «بررسی تطبیقی تکوین و گسترش مکتب اصفهان و سبک تهران در فضای شهری». نقش جهان، شماره ۱.
۳۴. سعادت‌نخمس، مهدی. (۱۳۹۶)، «ارزیابی انتقادی گرایش به معماری غرب در کاخ‌های دوره قاجار»، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۴۶.
۳۵. شهبازی‌نژاد، علی، ابویی، رضا، محمود، قلعه نویی و فرهنگ مظفر. (۱۳۹۳)، «مقیاس انسانی در میدان نقش جهان اصفهان»، دوفصلنامه مرمت و معماری ایران، شماره ۱۸.
۳۶. شمس اسفندآباد، حسن. (۱۳۹۳)، روان‌شناسی محیط، چاپ اول، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.
۳۷. صارمی، علی اکبر و رادمد، تقی. (۱۳۷۶)، ارزش‌های پایدار در معماری ایران، چاپ اول، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور.



۳۸. ضمیران، محمد و بازوکی، شهرام. (۱۳۸۳)، «کانت و زیبایی‌شناسی مدرن»، کتاب ادبیات و فلسفه، شماره ۸۵ و ۸۶.
۳۹. غفاری، ابولحسن. (۱۳۹۴)، «زیبایی‌شناسی و هنر افلاطون»، فصلنامه علمی پژوهشی قبسات، شماره ۷۸.
۴۰. قائمی‌فر، شقایق. (۱۳۹۵)، «الگوی زیبایی‌شناسی در معماری بر اساس دیدگاه اندیشمندان اسلامی»، ماهنامه شباک، شماره ۶.
۴۱. کریمی مشاور، مهرداد. (۱۳۹۲)، «رویکردها و روش‌ها در زیبایی‌شناسی شهری»، فصلنامه باغ نظر، شماره ۲۴.
۴۲. گروتز، یورک. (۱۳۹۰)، زیبایی‌شناسی در معماری، ترجمه‌ی جهان‌شاه پاکزاد، چاپ هفتم، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۴۳. گات، بریس، دومینیک مک آیور لوییس. (۱۳۸۴)، دانشنامه زیبایی‌شناسی، ترجمه‌ی منوچهر صانعی، میرعلی نجومیان، شیده احمد زاده، بایک محقق، فرهاد ساسانی، تهران: موسسه تالیف، ترجمه و نشر آثار هنری، متن.
۴۴. لنگ، جان. (۱۳۹۱)، آفرینش نظریه معماری (نقش علوم رفتاری در طراحی محیط)، ترجمه‌ی علیرضا عینی‌فر، چاپ ششم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۴۵. مارکوزه، هربرت. (۱۳۸۶)، بعد زیباشناختی، ترجمه‌ی داریوش مهرجویی، چاپ اول، تهران: انتشارات اسپرک.
۴۶. مختاریان، علی. (۱۳۸۸)، «چشم‌انداز هنر و زیبایی‌شناسی در اندیشه و آراء شهید مطهری»، سوره اندیشه، شماره ۴۴.
۴۷. مطلبی، قاسم. (۱۳۸۸)، «روانشناسی محیطی دانشی نو در خدمت معماری و طراحی شهری»، هنرهای زیبا، شماره ۱۰.
۴۸. متولی، مسعود. (۱۳۸۹)، «بررسی و سنجش کیفیت زیبایی در منظر شهری بر اساس مفهوم دیدهای متوالی، نمونه موردی: مسیر گردشگری دارآباد تهران»، دو فصلنامه آرمان شهر، شماره ۵.
۴۹. مطهری، مرتضی. (۱۳۸۴)، زیبایی‌شناسی دینی (۱). تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات هنری.
۵۰. ناظر، زینب، بلالی اسکویی، آدیتا و کی‌نژادریا، محمدعلی. (۱۳۹۴)، بازشناسی مفهوم شفافیت در معماری سنتی و معاصر ایران. همایش ملی معماری و شهرسازی بومی ایران، یزد.
۵۱. نقره‌کار، عبدالحمید. (۱۳۹۴)، برداشتی از حکمت اسلامی در هنر و معماری، چاپ اول، تهران: انتشارات کتاب فکر نو.
۵۲. نیوتون، اریک. (۱۳۸۶)، معنی زیبایی، ترجمه‌ی پروین مرزبان، چاپ ششم، تهران: شرکت انتشارات علمی فرهنگی.
۵۳. لیزرف، دیمشیتز، مایاسنیکف، رومانکو، سیلایف، استاخف، دریموف، اوزبانیکف، ساچکوف، موژینگان. (۱۳۵۲)، زیبایی‌شناسی نوین (ده مقاله)، ترجمه‌ی مهدی پرتوی، چاپ اول، تهران: چاپخانه سپر تهران با همکاری موسسه انتشارات امیرکبیر.
۵۴. نقی‌زاده، محمد. (۱۳۹۳)، شهر زیبا، مبانی، عوامل، معیارها، چاپ اول، اصفهان: انتشارات سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.
۵۵. نقی‌زاده، محمد. (۱۳۸۶)، ادراک زیبایی و هویت شهر (درپرتو تفکر اسلامی)، چاپ اول، اصفهان: انتشارات سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.
۵۶. ویتیک، آرنولد. (۱۳۸۶)، «مبانی زیبایی‌شناسی در محیط شهری»، ترجمه‌ی جواد مهدیزاده، دو فصلنامه جستارهای شهرسازی، شماره ۱۷ و ۱۸.
۵۷. ووادیسوف، تاتارکیویچ. (۱۳۹۰)، «زیبایی‌شناسی افلاطون»، ترجمه سید جواد فندرسکی، فصلنامه فلسفه و کلام، اطلاعات حکمت و معرفت، شماره ۶۴.
۵۸. ووادیسوف، تاتارکیویچ. (۱۳۹۱)، «زیباشناسی فیچینو و آکادمی فلورانس»، ترجمه سیدجواد فندرسکی، فصلنامه فلسفه و کلام، اطلاعات حکمت و معرفت، شماره ۱۱.
۵۹. وحیدی، طاهر، فاروقی، سید محمدرضا و مهدی تبار، نگار. (۱۳۹۳)، کوششی برای استخراج عوامل وحدت‌بخش معماری با بهره‌گیری از عناصر تأثیرگذار معماری اسلامی، ششمین کنفرانس ملی برنامه ریزی و مدیریت شهری با تأکید بر مؤلفه‌ی شهر اسلامی، مشهد.
۶۰. هاشم‌نژاد، حسین و نعمتی، سید جواد. (۱۳۹۰)، زیبایی‌شناسی در فلسفه‌ی صدرالمآلهین، دو فصلنامه علمی پژوهشی فلسفه، شماره ۲.
۶۱. هاشم‌نژاد، حسین. (۱۳۹۲)، زیبایی‌شناسی در آثار ابن‌سینا، شیخ اشراق و صدرالمآلهین، چاپ اول، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
۶۲. یوسفیان، جواد. (۱۳۷۹)، «نگاهی به مفهوم زیبایی‌شناسی»، نشریه علمی پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، شماره ۱۷۷.
۶۳. واردی، زرین. (۱۳۸۶)، «زیبایی‌شناسی شیخ الرئیس (نگاهی به زیبایی‌شناسی در آرای ابن‌سینا)»، فصلنامه فلسفه و کلام، اطلاعات حکمت و معرفت، شماره ۱۷.
64. Ataov, A. (1998), Environmental aesthetics. Journal of Planning Literature, 13(2), 239-257.
65. Bell, S. (2005), Elements of Visual Design in the Landscape. USA and Canada, Spon Press.
66. Cowan, R., & Rogers, L. (2005), The dictionary of urbanism, انتشارات آذرخش، چاپ پنجم تهران.



67. Gilboa, S., & Rafaeli, A. (2003), Store environment, emotions and approach behaviour: applying environmental aesthetics to retailing. *The International Review of Retail, Distribution and Consumer Research*, 13(2), 195-211.
68. Danaci, H. M. (2015), Aesthetics in Cultural Landscape and Architectural Education. *Procedia-Soc. Behav. Sci*, 191, 190-195.
69. Danaci, H. M. (2012), Architectural education and environmental aesthetics. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 51, 878-882.
70. Isaacs, A. J. (2008), *Self-Organizing Architecture: Design Through Form Finding Methods* (Doctoral dissertation, Georgia Institute of Technology).
71. Waistell, J. (2016), Can environmental aesthetics promote corporate sustainability. *Organization & Environment*, 29(2), 175-193.
72. Gawel, J. E. (1996), Herzberg's theory of motivation and Maslow's hierarchy of needs. *Practical Assessment, Research, and Evaluation*, 5(1), 11.
73. Nasar, J. L. (Ed.). (1992), *Environmental aesthetics: Theory, research, and application*. Cambridge University Press. M.I.T. Press.
74. Uzunoglu, S. S. (2012), Aesthetics and Architectural Education. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 51, 90-98

